

[حقیقت انشاء 1](#_Toc508694921)

[1)مسلک ایجاد 1](#_Toc508694922)

[نظریه مشهور در تفسیر ایجاد 1](#_Toc508694923)

[اشکال مرحوم حاج شیخ 2](#_Toc508694924)

[نظریه حاج شیخ در تفسیر ایجاد 2](#_Toc508694925)

[2)مسلک ابراز 2](#_Toc508694926)

[بررسی تفاسیر 3](#_Toc508694927)

[دو اشکال کلام حاج شیخ 3](#_Toc508694928)

[اول: خلاف ارتکاز بودن ادعای حج شیخ 3](#_Toc508694929)

[دوم: تالی فاسد داشتن ادعای ایشان 3](#_Toc508694930)

**موضوع**: حقیقت انشاء /بحث وضع /مقدمات علم اصول

# حقیقت انشاء

بحث در بیان حقیقت انشاء بود و تحلیل امری که بین مردم عملی است و متعارف است. عرض کردیم که در بیان حقیقت انشاء دو مسلک وجود دارد یکی مسلک ایجاد و دیگری مسلک ابراز است.

## 1)مسلک ایجاد

این مسلک دو تقریب دارد

### نظریه مشهور در تفسیر ایجاد

1. مشهور میگویند «و از جمله انها مرحوم اخوند است»در باب انشاء ان امر اعتباری در وعاء اعتبار با صیغه های انشائیه ایجاد میشود و صیغه های انشائیه را اسباب برای ایجاد مدلولشان میدانند. همان طوری که با حیازت که فعل است ملکیت پیدا میشود با الفاظ نیز ملکیت ایجاد میشود منتها نه در خارج و نه در ذهن بلکه در یک عالم دیگری که گاهی از ان تعبیر به عالم نفس الامر و گاهی از ان وعاء اعتبار تعبیر میکنند علی کل حال از فرض فارض خارج میشود.

#### اشکال مرحوم حاج شیخ

مرحوم حاج شیخ فرمود که بین سبب و مسبب باید سنخیت وجود داشته باشد و بین الفاظ و ملکیت سنخیتی وجود ندارد

### نظریه حاج شیخ در تفسیر ایجاد

2- ایشان فرمود مسلک ایجاد حق است اما چیزی که ایجاد شده همان معانی انها به وجود لفظی است و وجود تنزیلی معنا است مثلا کلمه زید که تکلم میشود ذاتا کلمه زید تکلم شده است و همین لفظ به عرض و مجاز وجود معنا است و در صیغه های انشائیه، ایجاد همان معنایشان به عرض است و لفظ میتواند چنین کاری را انجام دهد گاهی اوقات شخصی را مطلبی را توضیح میدهد و در همان بار اول فهمیده میشود این که میگوید فهمیدیم قصد حکایت میکند ولی گاهی اوقات مطلبی را میگوید ولی فهمیده نشده و به خاطر مسائل اخلاقی میگوید فهمیدم و به وسیله کلمه فهمیدم فهم را انشاء کرده است. ایشان حقیقت انشاء را وجود لفظی بخشیدن به معنا میداند ولی در اخبار و لو اینکه به معنا وجود لفظی میدهیم ولکن قصد حکایت فارق بین خبر و انشاء است و غرض اصلی از خبر قصد حکایت است ولی انشاء مجرد ایجاد است.[[1]](#footnote-1)

## 2)مسلک ابراز

پرچمدار این مسلک مرحوم اقای خویی است[[2]](#footnote-2) که از مجموع کلمات ایشان به دست میاید که شان الفاظ ایجاد نیست بلکه شان انها اخطار است و الفاظ برای احضار معنا وضع شده است و ابراز معانی است اینکه با الفاظ معنا ایجاد بشود در شان الفاظ نیست و اصلا سنخیتی بین الفاظ و مدلولشان ندارند. برای توضیح این مطلب گفته میشود که مثلا ملکیت سه موطن دارد:

1-نفس اعتبار متکلم

2- امضاء شارع

3-اعتبار ملکیت عقلاء.

ملکیتی که به وجود میاید این مراحل را دارد که عبارت است از اینکه ان ملکیت از نفس خود متکلم به وجود امده است منتها عقلاء میگویند تا ابراز نشود فایده ندارد و شارع نیز ان اعتبار عقلاء را امضاء کرده است در این بین الفاظ نسبت به پیدایش ملکیت نقشی ندارد بلکه تنها نقش ابراز را دارد فلذا قوام تحقق ملکیت همان ابراز است هر چند که ایشان نیز ملکیت را یک امر اعتباری میداند.

و از طرفی در بعضی موارد اصلا امر اعتباری وجود ندارد تا الفاظ انها را ایجاد کرده باشند مانند تمنی و ترجی و غیره ....و این الفاظ تنها و تنها مبرزات معانی هستند فلذا ایشان میفرماید حقیقت انشاء ابراز اعتبار نفسانی است. مثلا شما در نفس خودت ملکیت برای شخص مقابل اعتبار میکنی و با لفظ ان را ابراز میکنی و بعد اثار بر انها مترتب میشود.[[3]](#footnote-3)

فارق بین اخبار و انشاء این است که با ابراز در اخباریات قصد حکایت داریم ولی در انشائیات با ابراز قصد حکایت را نداریم.

## بررسی تفاسیر

### دو اشکال کلام حاج شیخ

#### اول: خلاف ارتکاز بودن ادعای حج شیخ

اینکه محقق اصفهانی فرمود حقیقت انشاء وجود لفظی بخشیدن به معنا است خلاف وجدان است ما به وجدان احساس میکنیم که بین تعبیر «اضرب »و «انا طالب للضرب» اختلاف وجود دارد نه اینکه معنای اخباری همان معنای انشائی با اضافه قصد حکایت باشد و به نحو اقل و اکثر درست نیست

#### دوم: تالی فاسد داشتن ادعای ایشان

لازمه ی فرمایش ایشان این است که شخصی که جمله خبریه را میاورد و قصد حکایت ندارد باید جمله انشائیه باشد در حالی که این گونه نیست مثلا جمله های خبریه ای که به انها تکلم میکنیم و در همان وقت نیز از الفاظ همان معانی را اراده میکنیم ولی به غرض حفظ ان جمله نه به قصد حکایت ان باشد در این جا استعمال هست ولی قصد حکایت نیست و باید جمله انشائیه باشد در حالی که این گونه نیست.

اینکه ایشان قوام انشاء را به این دانسته است که به معنا وجود لفظی بدهیم بدون قصد حکایت این تالی فاسد را دارد. و مجرد وجود لفظی دادن به معنا برای انشاء درست نیست.

ادامه بحث در جلسه اینده

1. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج1، ص113.](http://lib.eshia.ir/27897/1/113/انشاء) [↑](#footnote-ref-1)
2. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج1، ص83.](http://lib.eshia.ir/13046/1/83/انشاء)

   «و التحقيق أن يقال: ان الانشاء موضوع لابراز أمر نفساني، بلا فرق بين أن يكون من الامور الاعتبارية فقط كالزوجية و الملكية، بل و كذا الوجوب و الحرمة، فانّهما ايضا اعتبار الفعل أو الترك على ذمّة المكلّف، أو يكون له تحقّق في الواقع بلا احتياج الى الاعتبار، كالتمنّي و الترجّي و الاستفهام و أمثالها.

   و لا فرق بين الخبر و الانشاء من هذه الجهة، فانّ الخبر ايضا موضوع لابراز أمر نفساني، و هو الحكاية، و قد ذكرنا آنفا أنّ الخبر ايضا من حيث الدلالة على مدلوله، لا يحتمل الصدق و الكذب كالانشاء، و انّما الفرق بينهما في المدلول و هو المبرز- بالفتح- فانّه الحكاية في الخبر، و هي محتملة للصدق و الكذب، بخلاف المبرز في الانشاء، فانّه اعتبار خاص من الاعتبارات النفسانية الّذي ليس هو من سنخ الحكاية عن ثبوت شي‏ء أو نفيه، ليكون محتملا للصدق و الكذب.» [↑](#footnote-ref-2)
3. مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج1، ص82

   «هذا، مضافا الى عدم اطّراد هذا المعنى في جميع الانشاءات، فانّه على تقدير تسليمه يتمّ في مثل البيع و النكاح و الطلاق و العتاق، باعتبار أنّ التلفّظ بمثل بعت أو أنكحت أو هي طالق أو أنت حر مع القصد، يوجب تحقّق الملكية أو الزوجية أو البينونة أو الحرية، باعتبار من العقلاء و امضاء من الشارع، بخلاف الاستفهام و التمنّي و الترجّي و أمثالها، اذ لا يكون هناك اعتبار بوجود شي‏ء من العقلاء و لا من الشارع، فالقول بأنّ معنى الانشاء هو الايجاد لا يرجع الى محصّل.» [↑](#footnote-ref-3)